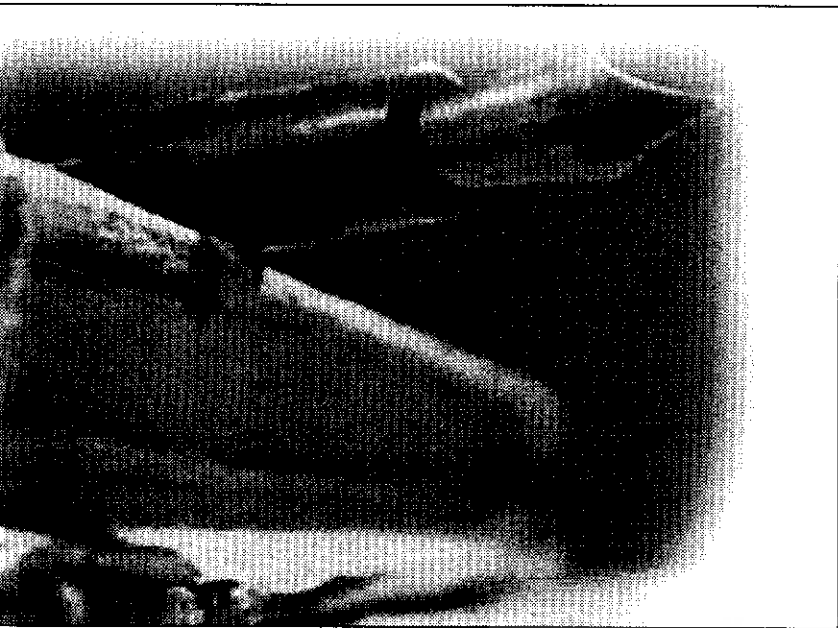


شرح و تفسیر موادی از قانون مجازات اسلامی



(قسمت سی و دوم)

محمدعلی اخوت (عضو معاون دیوان عالی کشور)

فشنگ مشقی برای اجرای نمایش گذاشته‌اند، اگر او مبادرت به شلیک کند و شخصی مجروح شود و مشخص شود که در داخل اسلحه فشنگ جنگی قرار داشته است عملش قتل غیر عمدی است. او در انجام جرم بی احتیاطی کرده (قبلاً سلاح را بازرسی نکرد است)

تأثیر جهل به موضوع در حدود:

قانونگذار ایران، جهل به موضوع را در حدود موجب رهایی از مجازات حدی می‌داند. برای مثال: در شرب مسکر، تبصره ماده (۱۶۶) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در صورتی که شراب

ب. اشتباه در عناصر تشکیل دهنده جرم:

می‌دانیم که هر جرم دارای عناصر سه‌گانه مادی، معنوی و قانونی است؛ اشتباه در عنصر قانونی در واقع، اشتباه حکمی است که در بخش دوم از آن سخن خواهیم گفت.

اشتباه در عنصر مادی آن است که شخصی در شناخت آن چیزی که این عنصر را می‌سازد اشتباه کند؛ برای مثال: سرقت طبق تعریف ماده (۱۹۷) قانون مجازات اسلامی، عبارت است از ربودن مال دیگری به‌طور پنهانی. اگر کسی مال خود را به تصور اینکه مال غیر است بریاید، چنین اشتباهی عنصر مادی جرم را مخدوش ساخته، عملش جرم نخواهد بود. یا اینکه اگر قتل عمد را سلب عمدی حیات انسان زنده تعریف کنیم.

اگر شخصی به شخص مرده به خیال اینکه زنده است گلوله‌ای شلیک کند، اشتباه او عنصر مادی را زایل می‌سازد.

اما اشتباه در موضوع جرم، رافع مسئولیت نیست؛ مثلاً اگر کسی مبادرت به سرقت مقداری طلا از مغازه طلافروشی بنماید و بعداً مشخص شود که آنچه سرقت کرده است نقره بوده، از حیث جرم سرقت مجازات خواهد شد و تنها از نظر رد مال مکلف است مال سرقت شده (نقره) را مسترد نماید.

اشتباه در وسیله ارتکاب جرم، نوع جرم و مجازات را ممکن است تغییر دهد. برای مثال: شخصی اطمینان دارد که داخل تفنگ،

اگر کسی مال خود را به تصور
اینکه مال غیر است بریاید، چنین
اشتباهی عنصر مادی جرم را
مخدوش ساخته، عملش جرم
نخواهد بود

خورده مدعی جهل به موضوع یا حکم باشد وصحت دعوی او محتمل باشد، محکوم به حد نخواهد شد.» مانند اینکه مایعی را با این تصور که آب است بنوشد و آنگاه معلوم شود آن مایع مسکر بوده است. در مورد حد سرقت نیز بند "۵" ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی، یکی از شرایط ثبوت حد را علم سارق به مسروقه بودن مال ذکر کرده است. یا اینکه طبق بند "۱۱" ماده مرقوم، یکی از شرایط ثبوت حد، انتفای ابوت است. به این معنا که اگر پدری مال فرزندش را بریاید مشمول حد نمی‌شود. حال اگر پدر فکر کند که مال فرزندش را می‌ریاید در حالی که مال متعلق به غیر از فرزندش بوده است، عملش مشمول سرقت حدی نخواهد بود.

ج. اشتباه در نفس نتیجه:

در این نوع اشتباه، مرتکب، قاصد در فعل مجرمانه است؛ ولی نتیجه را نمی‌خواهد و به‌رغم میل او نتیجه حاصل می‌شود. برای مثال: (الف) با چوب به پای (ب) ضربه وارد می‌آورد که موجب شکستن استخوان پای قربانی می‌شود؛ بر اثر این شکستگی و خونریزی داخلی، (ب) فوت می‌کند. در صورتی که کارشناسی (پزشک قانونی) ضربه را کشنده تشخیص ندهد، قتل عمد مصداق ندارد، بلکه قتل غیرعمد یا شبهه عمد است.

ماده (۱۷۱) قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ مقرر داشته بود: «هرکسی عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که منتهی به مرگ مجنی‌علیه گردد بدون اینکه مرتکب، قصد کشتن را داشته باشد، به حبس به اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم و نسبت به اینکه آلتی که استعمال شده است قتاله باشد، مرتکب در حکم قاتل عمدی است.»

باتوجه به این ماده، اشتباه در نتیجه که مرگ باشد، مجازات حبس داشت و تنها وجود آلت قتاله مجازات حبس جنایی درجه یک را به مجازات قتل عمدی تشدید می‌نمود.

رویه قضایی، آلت قتاله را به حساسیت موضع توسعه داده بود. طبق احکام شماره ۳۶۱۶ و ۱۲۴. ۲۶/۹/۲۰ شعبه دوم: منظور از آلت قتاله در مورد ماده (۱۷۱) قانون کیفر عمومی، هرگونه وسیله‌ای است که در ایراد ضرب به کار رود که یا خود آن آلت عادتاً کشنده باشد و یا به اعتبار خصوصیت موضعی که ضرب و جرح بر آن وارد آمده عادتاً موجب قتل شود. بنابراین، اگر مجنی‌علیه بر اثر ضربه شانه آهنی زراعتی به سر و پیشانی به قتل برسد برفرض هم که آلت قتاله نباشد از لحاظ خصوصیت موضع اصابت (سر و پیشانی) قتاله محسوب و مشمول قسمت اخیر ماده (۱۷۱) است.^(۱)

به نظر می‌رسد دیوان عالی کشور قبل از انقلاب، در تنظیم این آرا به فقه نظر داشته است. در قوانین فعلی، مفهوم آلت قتاله به

اشتباه حکمی آن است که شخص به نفس عملی که انجام می‌دهد آگاهی دارد، اما نمی‌داند آن عمل ممنوع است. آگاهی به غیر قانونی یا غیر شرعی بودن حکم ندارد. مقتضی اجرای عدالت این است که اگر شخصی آگاه به ممنوعیت عمل نباشد، باز خواست نشود

مفهوم "کار عادتاً کشنده" تغییر یافته است.

به موجب بند "ب" ماده (۲۰۶) قانون مجازات اسلامی، یکی از موارد و مصادیق قتل عمد، موردی است که متهم قصد قتل ندارد، ولی کاری که نوعاً کشنده است انجام می‌دهد، قتل در حکم عمد است و مقررات مربوط به قتل عمد در مورد او ساری و جاری است. حال اگر عمل نوعاً کشنده نباشد، قتل شبهه عمد یا غیرعمد است. به همین دلیل است که بند "ب" ماده (۲۹۵) قانون مجازات اسلامی، در بیان اقسام قتل مقرر می‌دارد: «در صورتی که مرتکب عمداً صدمه را بدون قصد قتل وارد کند، به نحوی که آن صدمه نوعاً کشنده نباشد ولی به‌رغم میل مرتکب قتل واقع شود، قتل شبهه عمد محسوب می‌شود.»

همان‌طور که در متن مواد آمده است، ضابطه نوعی است. در واقع، ضربه باید به جایی یا طوری وارد شود که نوعاً باتوجه به سن، وضع جسمی و روانی مقتول کشنده نباشد، در غیر این صورت، قتل عمدی خواهد بود.

مثال: متهم با شخصی که ناراحتی قلبی دارد به نزاع پرداخته، یک سیلی به صورت او می‌نوازد و مضموم بر اثر هیجان حاصل شده از نزاع، دچار ایست قلبی شده و فوت می‌کند. پزشک، علت مرگ را هیجان ناشی از نزاع منتهی به ایست قلبی مضموم که سابقه بیماری قلبی داشته اعلام می‌کند. حال اگر متهم، آگاه به بیماری مضموم نباشد، قتل شبهه عمد و اگر آگاه باشد، قتل عمدی مطرح می‌شود. این امر از بند "ج" ماده (۲۰۶) قانون مجازات اسلامی نیز به دست می‌آید. به موجب این بند:

«مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست، ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری یا پیری و یا ناتوانی و یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل به آن آگاه

باشد.» که قتل عمدی است. در غیر این صورت، قتل غیر عمد محسوب است.

جرم غیر عمدی و اشتباه:

در حقوق ایران، اگر کسی به قصد شکار حیوان تیراندازی کرده، بر اثر خطای او انسانی کشته شود، عمل او خطای محض است و عاقله مسئول پرداخت دیه است. به موجب بند «الف» ماده (۲۹۵) قانون مجازات اسلامی، قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای محض واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی‌علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را؛ مانند اینکه تیری به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید. و نیز طبق ماده (۲۹۶) در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به شیء یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی‌گناهی اصابت کند، عمل او خطای محض محسوب می‌شود.

باید دانست اگر قتل یا بینه یا قسامه یا علم قاضی اثبات شود، دیه به عهده عاقله است؛ ولی اگر با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شود، به عهده خود اوست. علت این امر این است که حکم پرداخت دیه به وسیله عاقله یک استثناست و باید به قدر متیقن اکتفا شود. بنابراین، اگر کسی اقرار کند که می‌خواسته مثلاً آهو شکار کند و اشتبهاً تیرش به خطا رفته و انسانی را کشته، خودش عهده‌دار دیه است.

در حقوق فرانسه، شخصی به نام «زنتی والانتین»^(۳) که مأمور اعدام حیوانات موزی بود، به اتفاق همراهان دیگرش به انجام وظیفه مشغول بودند. همکاران او به سوی حیوانی تیراندازی کردند، زنتی به تصور اینکه گرگی را هدف گرفته است، آهوپی را هدف گرفته و کشته بود.

دادگاه جنحه «بیزانسون»^(۴) با این استدلال که متهم هدف را تشخیص نداده و نمی‌توانسته تشخیص بدهد و همانند کسان دیگری که قبل از او تیراندازی کرده‌اند، تصور می‌کرده گرگ را هدف گرفته و تیراندازی کرده است، او را تبرئه کرد.

دیوان جنایی به موجب رأی مورخ شانزدهم نوامبر ۱۸۶۶ م، با این استدلال که فقدان اراده مجرمانه نمی‌تواند مقرر ماده (۲۰) قانون سال ۱۸۴۴ م، را مخدوش سازد، رأی دادگاه مزبور را شکست. در نتیجه، دیوان، دفاع اکراه معنوی در ارتکاب جرم را نپذیرفت.^(۵) در حقوق ایران اگر چنین موضوعی مطرح شود، برای مثال، مأمور اعدام سگ‌های ولگرد، اشتبهاً آهو یا حیوان حفاظت شده‌ای را هدف قرار دهد، نمی‌توان او را به عنوان شکار غیر مجاز تعقیب کرد؛ زیرا به موجب بند «ب» ماده (۱۳) قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶، شکار بدون پروانه آهو جرم بوده و مجازات حبس جنحه‌ای از

اگر قتل با بینه یا قسامه یا علم قاضی اثبات شود، دیه به عهده عاقله است؛ ولی اگر با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شود، به عهده خود اوست. علت این امر این است که حکم پرداخت دیه به وسیله عاقله یک استثناست و باید به قدر متیقن اکتفا شود

سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از بیست تا پنجاه هزار ریال را در پی دارد؛ و با عنایت به اینکه عنصر معنوی بزه شکار غیر مجاز، قصد شکار است و در مورد فوق مأمور اصلاً قصد شکار حیوان نداشته است، به لحاظ فقدان عنصر معنوی قابل تعقیب نیست.

اشتباه حکمی

اشتباه حکمی آن است که شخص به نفس عملی که انجام می‌دهد آگاهی دارد، اما نمی‌داند آن عمل ممنوع است. آگاهی به غیر قانونی یا غیر شرعی بودن حکم ندارد. مقتضی اجرای عدالت این است که اگر شخصی آگاه به ممنوعیت عمل نباشد، بازخواست نشود. در ابتدای این رشته مقالات از مبحث عنصر قانونی جرم، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و مبنای آن که قاعده قبح عقاب بلا بیان است، در این باره سخن گفته‌ایم؛^(۵) و متذکر شدیم وقتی اصولاً حکمی وجود ندارد نمی‌توان شخص را مسئول دانست. اما در اشتباه حکمی، حکم وجود دارد؛ اما شخص به این حکم آگاه نیست. یکی از مواردی که در حدیث رفع آمده است «مالایعلمون» آنچه نمی‌داند می‌باشد که در حدیث شریف، مانع مسئولیت شناخته شده است. رفع عن امتی تسعه: «مالایعلمون»

از سوی دیگر، اگر در این باره تنها به عدالت صرف تکیه کنیم، جامعه دچار هرج و مرج خواهد شد و نظم اجتماعی مختل می‌شود؛ زیرا ممکن است هر کس به محض ارتکاب جرم خاصی، و در زمان تعقیب و محاکمه ادعا کند از ممنوع بودن و یا قابل مجازات بودن عمل اطلاعی نداشته است؛ در این صورت، دستگاه قضایی برای اثبات آگاهی او از عمل ممنوع ناچار خواهد بود کوشش غالباً بی‌نتیجه‌ای را به کاربرد تا ثابت کند مرتکب می‌دانسته عمل ممنوع و قابل مجازات است. در اینجا مسائلی چند پیش می‌آید که آیا شخص باید از همه جرایم و مجازات‌ها آگاه باشد یا اینکه باید بین

جرائم قائل به تفکیک شد. دیگر اینکه باید به تمام مشخصات جرم و مجازات عمل واقف باشد. مثلاً بداند از نظر دانش حقوق، کلاهبرداری چیست، چه مشخصاتی دارد و مجازات آن چه می‌باشد، یا اینکه علم اجمالی به اینکه این عمل جرم است کافی است و یا اصولاً چنین آگاهی لازم نیست و به محض اینکه موضوعی جرم انگاری شد همه افراد اعم از آگاه و ناآگاه باید از ارتکاب جرم بپرهیزند. مسئله اشتباه را می‌توان از دو دیدگاه، درونی (subjective) و بیرونی (objective) مورد توجه قرار داد.

در دیدگاه درونی، توجه به شخص مرتکب معطوب می‌شود. مثلاً تعدد زوجات در حقوق فرانسه جرم است، فرد خارجی که وارد این کشور شده و با داشتن همسر، همسر دیگری کرده، می‌تواند بر دفاع اشتباه در حکم استناد جسته و برائت حاصل کند. رأیی که بر این اساس صادر شده است مورد انتقاد قرار گرفته. از این جهت که چه فرقی بین فرد ناآگاه فرانسوی و فرد آگاه خارجی می‌تواند وجود داشته باشد!^(۶)

از نظر عینی، جرایم را به دو دسته طبیعی و قراردادی تقسیم کرده‌اند. جرایم طبیعی جرایمی هستند که در تمام زمانها و مکانها و در تمام جوامع جرم محسوب و قابل مجازات هستند مانند سرقت، قتل عمد؛ و جرایم قراردادی جرایمی هستند که برای حفظ انتقام عمومی در جامعه یا جوامعی خاص، جرم انگاری شده اند مانند بزه فروش استمراری کوپن کالاها یا اساسی در حقوق ایران. البته این تقسیم‌بندی، نمی‌تواند دقیق باشد و معیار آن دقیقاً شخص نیست. طرفداران این تقسیم‌بندی گفته‌اند، اشتباه در جرایم قراردادی قابل قبول است؛ زیرا عده‌ای ممکن است که از جرم بودن عمل آگاهی نداشته باشند. دادگاه‌های فرانسه عدم اطلاع از جرایمی که اثبات آنها مستلزم وجود یک مقرره مربوط به حقوق مدنی است را پذیرفته‌اند. از این جمله است رأیی که بر اساس آن، عدم اطلاع از مقرره ماده (۷۱۴) قانون مدنی که طبق آن کاشف اشیای عتیقه (گنج) باید آن را با مالک زمین تقسیم کند را مبنای قبول اشتباه در بزه سرقت دانسته است.^(۷) در جرایم غیرعمدی، قبول اشتباه حکمی بیش از جرایم عمدی قابل قبول است؛ زیرا در این گونه جرایم، شخص آشکارا با نظم اجتماعی به مقابله برمی‌خیزد. در قانون جدید جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲ م، اشتباه در حکم به طور محدود پذیرفته شده است. به موجب ماده (۳ - ۱۲۲) قانون مرقوم: "شخصی که به باور اشتباه حکمی غیرقابل اجتناب، مرتکب جرمی شده است، جزاًئاً مسئول نیست." قانونگذار فرانسوی در این ماده با آوردن عبارت "غیرقابل اجتناب" استفاده از این راهکار رافع مسئولیت را محدود ساخته است. در عمل، رویه قضایی در قبول اشتباه حکمی بسیار سخت‌گیر است و دیوان کشور استفاده از آن را به وسیله دادگاه‌های نخستین

مورد بررسی قرار داده و در بیشتر مواقع مبادرت به نقض آرا نموده است.^(۸)

به موجب رأیی که دیوان کشور فرانسه صادر کرده است، خانم "ژوسران"، از دادگاه تقاضای صدور حکم به جدایی^(۹) کرده بود. در زمان رسیدگی، دادگاه نگهداری اطفال را به او سپرد. دادگاه استیناف حکم به رد تقاضا صادر کرد و بانوی مزبور از این حکم فرجام خواست. شوهرش که فردی کرولال بود، به رغم تقاضاهای فراوان زن، از سپردن اطفال به مادر خودداری کرد. از این جهت تحت تعقیب کیفری قرار گرفت. در دادگاه، وکیل او دفاع کرد که متهم نمی‌دانسته تقاضای فرجام همسرش، اجرای حکم را معلق می‌دارد، و بیان داشت، متهم از نظر مشاور حقوقی (وکیل) برای این اقدام خود سود جسته است. به رغم این دفاع، شعبه جنایی دیوان رأی داد، جرم واقع شده و دفاع متهم را مردود اعلام داشت.

نویسنده فرانسوی، سوايه "soyer" معتقد است که در حقوق فرانسه برخلاف اشتباه موضوعی، اشتباه در حکم، رافع مسئولیت کیفری نیست. شخص نمی‌تواند به این بهانه که نمی‌دانسته عملش طبق قانون قابل مجازات است از مجازات برهد^(۱۰) به همین علت است که در حقوق این کشور قاعده جهل به حکم رافع تکلیف نیست، مورد قبول واقع شده است.^(۱۱)

در حقوق انگلیس، نیز قاعده جهل به حکم رافع تکلیف نیست، پذیرفته شده است. در دعوی دادستان علیه Reid^(۱۲) م. افسر پلیس از متهم خواست تا تست بازدم برای تعیین میزان الکل به عمل آورد. متهم که راننده موتورسیکلت بود، از این کار سر باز زد؛ او تحت تعقیب کیفری قرار گرفت و در دادگاه مدعی شد، به اشتباه باور می‌کرده پلیس چنین حقی را ندارد؛ دادگاه دفاع او را نپذیرفت.^(۱۳)

در فقه امامیه، شبهه حکمیه، از عوامل رافع مسئولیت (برداشتن مجازات) به شمار رفته است. در حدیث آمده است: "شخصی از

در دیدگاه درونی، توجه به شخص مرتکب معطوب می‌شود. مثلاً تعدد زوجات در حقوق فرانسه جرم است، فرد خارجی که وارد این کشور شده و با داشتن همسر، همسر دیگری اختیار کرده، می‌تواند بر دفاع اشتباه در حکم استناد جسته و برائت حاصل کند

7- Ibid. p.451

8- Rassat Michele droit penal general, paris,1999, p.374

۹- حکم جدایی ابدان "tion des corps se paya" حکمی است که دادگاهها قبل از صدور حکم طلاق برای ایجاد امکان جلوگیری از طلاق و احتراز از پیامدهای زندگی مشترک در حال اختلاف صادر می کنند و بر اساس آن مقرر می شود زوجین برای مدتی به طور جدا از هم زندگی کنند.

10 -soyer, droit penal general. Paris. 1990. p.105

11- Nwl nesi cense ignorey lalai

12 - Catherine Elliot. Criminal

Law. Pearson education landon. 2000 .P.253

۱۳- آیت اله سیدابوالقاسم خوبی، مبانی تکمله المنهاج، جلد یکم، ص ۱۶۸.

جرایم طبیعی جرایمی هستند که در تمام زمانها و مکانها و در تمام جوامع جرم محسوب و قابل مجازات هستند مانند سرقت، قتل عمد

حضرت باقر (علیه السلام) سؤال کرد: مردی را به اسلام دعوت کردیم اسلام آورد. سپس شراب نوشیده، زنا کرد و رباخورد. در حالی که حلال و حرام را نمی دانست، آیا با اینکه جاهل بوده است حد بر او جاری کنیم؟

امام فرمود: خیر، مگر اینکه بینة ای قائم شود که از حرمت این امور هم اطلاع یافته است.

در ذیل این حدیث، مرحوم خوبی نوشته اند:

اگر کسی جاهل مقصر در مورد حکم به زنا باشد و ملتفت باشد که جاهل است (بداند که نمی داند) حکم زنا در مورد او جاری می شود؛ زیرا او به حکم ظاهری عالم بوده است و جهل او به واقع امر (تمامی امر) در این مسئله برای او عذر محسوب نمی شود و مشمول اطلاعات دلایل مربوط به نفی حد (درأ حد) نمی گردد.^(۱۳) بنابراین، در مورد جاهل مقصر که از جهل خود آگاهی داشته باشد، قاعده "درء" جاری نمی شود و اصل بر این است که احکام بین عالم و جاهل مشترک است و جهل به حکم، رافع تکلیف نیست و این جهل تقصیری است. در جهل قصوری، ادعای اشتباه پذیرفتنی است.

ادامه دارد

پی نوشت ها:

۱. مجموعه متین، قسمت کیفری، ص ۲۶۵.

2.Genty valentine

3- Besan son

4- Les grands arrts du droit penal Ibid. p.638

۵- ر. ک، مجله دادرسی، شماره های دهم و یازدهم به قلم نگارنده.

6- Les grands

arrest de droct Crminelle com sirey ,paris ,1988 .p.

